



Arefijoo, Mehdi (٢٠٢٢). **Jihadi Governance Model: Impact on Public Policy Processes and the Establishment of Comprehensive Resistance**, Journal of Resistance Thought in the Discourse of the Islamic Revolution, vol ٦١, ٤٨-٧٢

© The Authors. This is an open access article under the [CC BY ٤.٠](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) license
(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

Research Paper

Jihadi Governance Model: Impact on Public Policy Processes and the Establishment of Comprehensive Resistance

Mehdi Arefijoo^١

Received: ٢٠/٠١/٢٠٢٢; Accepted: ٢٢/٠٧/٢٠٢٢

Abstract:

This study aims to conceptualize and formulate the model of jihadi governance as a strategic and effective paradigm for the public policy system of the Islamic Republic of Iran. In the contemporary era, nation-states face increasingly complex challenges that have rendered classical bureaucratic models inefficient. This research argues that a transition from a managerial mindset to governance, and the adoption of an indigenous and value-based model of jihadi governance, constitutes a fundamental response to these challenges. The research method is descriptive-analytical, relying on content analysis of upstream policy documents, foundational Islamic texts, and the statements of the leaders of the Islamic Revolution. The findings demonstrate that jihadi governance, based on core principles such as monotheism and spiritual orientation, revolutionary rationality and strategic insight, popular participation and mobilization of social capacities, duty-orientation and tireless strive [jihad], justice-centeredness and committed professionalism, fundamentally transforms policy-making processes. Implementation of this model in key areas—such as the economy (realizing a resistant economy), culture (jihad of clarification and identity safeguarding), and foreign policy (dignified resistance)—ultimately enhances the state's strategic capacity, increases national resilience, and ensures the establishment of comprehensive resistance against asymmetric threats.

Keywords: Jihadi governance, public policy, effectiveness, comprehensive resistance, state strategic capacity.

^١. Ph.D. Graduate in Theology, Allameh Askari International University, Qom, Iran: iran.farda1@gmail.com



مقاله پژوهشی

الگوی حکمرانی جهادی: تأثیر بر فرآیندهای سیاست‌گذاری عمومی و استقرار مقاومت همه‌جانبه

مهدی عارفی جو^۱

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۳۱

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین و صورت‌بندی الگوی حکمرانی جهادی به مثابه یک الگوواره راهبردی و کارآمد برای نظام سیاست‌گذاری عمومی در جمهوری اسلامی ایران انجام پذیرفته است. در عصر حاضر، دولت-ملت‌ها با مسائل بغرنج و پیچیدگی‌های فزاینده‌ای مواجه‌اند که الگوهای بوروکراتیک کلاسیک را با بحران کارآمدی روبرو ساخته است. این پژوهش استدلال می‌کند که گذار از نگرش مدیریت به حکمرانی و اتخاذ الگوی بومی و ارزشی حکمرانی جهادی، پاسخی بنیادین به این چالش‌هاست. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و بر تحلیل محتوای اسناد بالادستی، متون بنیادین اسلامی و بیانات رهبران انقلاب اسلامی استوار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی جهادی، با تکیه بر اصولی چون: توحیدمحوری و غایت‌گرایی معنوی، عقلانیت انقلابی و بصیرت راهبردی، مردم‌بنیانی و بسیج ظرفیت‌های اجتماعی، تکلیف‌گرایی و مجاهدت‌خستگی‌ناپذیر، عدالت‌محوری و تخصص‌گرایی متعهدانه، فرآیندهای سیاست‌گذاری را متحول می‌سازد. این الگو از طریق پیاده‌سازی در عرصه‌های کلیدی نظیر: اقتصاد (تحقق اقتصاد مقاومتی)، فرهنگ (جهاد تبیین و مصون‌سازی هویتی) و سیاست خارجی (مقاومت عزتمندانه)، نهایتاً به ارتقاء ظرفیت راهبردی دولت، افزایش تاب‌آوری ملی و استقرار مقاومت همه‌جانبه در برابر تهدیدات نامتقارن منجر می‌گردد.

واژگان کلیدی: حکمرانی جهادی، سیاست‌گذاری عمومی، کارآمدی، مقاومت همه‌جانبه، ظرفیت راهبردی دولت.

در هزاره سوم، نظام‌های اداری در سراسر جهان با چالش‌هایی بی‌سابقه از حیث پیچیدگی، عدم قطعیت و تضاد ارزشی مواجه‌اند. ماهیت مسائل عمومی از مشکلات خطی و قابل پیش‌بینی، به مسائل بغرنج تغییر یافته است که الگوهای سنتی اداره امور عمومی، مبتنی بر بوروکراسی وبری و مدیریت علمی تیلور، را در عمل با بن‌بست بحران کارآمدی و پاسخگویی مواجه ساخته است (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۹۰: ۲۸). جمهوری اسلامی ایران، به واسطه موقعیت ژئوپلیتیک، آرمان‌های تمدنی و مواجهه مستمر با فشارهای خارجی، این بحران را با شدتی مضاعف تجربه می‌کند. در چنین شرایطی، اکتفا به رویکردهای بوروکراتیک کلاسیک که مشخصه‌هایی چون صلبیت ساختاری، تفکر جزیره‌ای و فرآیندگرایی افراطی دارند، نه تنها راهگشا نیست، بلکه می‌تواند به فرسایش ظرفیت راهبردی دولت و مشروعیت نظام منجر شود. از این رو، این پژوهش در صدد پاسخگویی به این پرسش بنیادین است که الگوی حکمرانی جهادی چگونه می‌تواند به مثابه یک الگوواره بدیل، فرآیندهای سیاست‌گذاری عمومی را در راستای ارتقای کارآمدی و استقرار مقاومت همه‌جانبه متحول سازد؟

اهمیت این تحقیق از دو منظر قابل تبیین است. نخست، در بُعد نظری، نظام علمی مدیریت و اداره امور عمومی کشور نیازمند نظریه‌پردازی و تولید الگوهای بومی است که ریشه در مبانی معرفتی و ارزش‌های اسلامی-ایرانی داشته باشند. حکمرانی جهادی، که از بطن گفتمان انقلاب اسلامی برآمده، ظرفیت آن را دارد که از یک مفهوم گفتمانی به یک الگوی علمی منسجم و عملیاتی تبدیل شود. دوم، در بُعد عملی، ناکارآمدی ساختارهای دیوان‌سالار در حل مسائل مزمن اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ضرورت یک جهش پارادایمیک را در نظام حکمرانی کشور آشکار ساخته است. پرداختن به الگوی حکمرانی جهادی، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت راهبردی برای غلبه بر موانع، فعال‌سازی ظرفیت‌های مغفول ملی و تحقق اهداف کلان نظام، به ویژه در شرایط تحریم و جنگ شناختی است. اگرچه مفهوم مدیریت جهادی در ادبیات پژوهشی پیشین مورد توجه قرار گرفته است، نوآوری این مقاله در سه سطح قابل طرح است: اولاً، این پژوهش با ایجاد یک تمایز مفهومی کلیدی، از سطح مدیریت به سطح حکمرانی گذار می‌کند و حکمرانی جهادی را نه صرفاً یک سبک مدیریتی فردی، بلکه یک منطق و الگوواره فراگیر برای راهبری کل جامعه با مشارکت تمامی کنشگران تعریف می‌نماید. ثانیاً، این مقاله به جای توصیف صرف ویژگی‌ها، به دنبال ارائه یک چارچوب مفهومی منسجم است که مبانی معرفتی، اصول حاکم بر سیاست‌گذاری و نحوه پیاده‌سازی در عرصه‌های عملیاتی را به صورت یکپارچه به یکدیگر پیوند می‌دهد. ثالثاً، این پژوهش به طور مشخص تأثیر این الگو را بر استقرار مقاومت همه‌جانبه به عنوان یک خروجی کلان راهبردی مورد کاوش قرار می‌دهد و آن را به دکرین‌هایی نظیر اقتصاد مقاومتی و دیپلماسی مقاومت متصل می‌سازد.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در گفتمان انقلاب اسلامی





این پژوهش از حیث هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از منظر روش، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. ابزار اصلی تحلیل، تحلیل محتوای کیفی متون بنیادین شامل قرآن کریم و نهج‌البلاغه، اسناد بالادستی نظام، بیانات و رهنمودهای بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری (به عنوان عالی‌ترین مفسران گفتمان جهادی) و همچنین ادبیات علمی مرتبط در حوزه مدیریت دولتی و حکمرانی است.

ساختار این مقاله به شرح زیر سامان یافته است: در بخش نخست، پس از طرح مقدمه، به تبیین مبانی مفهومی پرداخته می‌شود و ضمن تمایز میان مدیریت و حکمرانی، تعریف، اهداف و اصول بنیادین الگوی حکمرانی جهادی تشریح می‌گردد. بخش دوم به اصول حاکم بر فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در این الگو، از جمله مردم‌محوری، انعطاف‌پذیری، عدالت‌محوری و تخصص‌گرایی متعهدانه اختصاص دارد. در بخش سوم، نحوه پیاده‌سازی و تأثیرات عملیاتی این الگو در سه عرصه کلیدی سیاست‌گذاری اقتصادی، فرهنگی و سیاست خارجی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در نهایت، بخش پایانی به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای پژوهشی و اجرایی اختصاص خواهد یافت.

پیشینه پژوهش

مفهوم جهاد و کار جهادی، ریشه‌ای عمیق در تاریخ صدر اسلام و فرهنگ شیعی دارد، اما تبلور نوین و سازمانی آن در تاریخ معاصر ایران به دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. تأسیس نهادهایی چون جهاد سازندگی در سال ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی (ره)، نقطه عطفی در تبدیل روحیه و فرهنگ جهادی به یک ساختار اجرایی برای حل مسائل کشور، به ویژه در مناطق محروم بود. این نهاد با تکیه بر نیروی مردمی، ایمان، ایثار و خلاقیت، توانست خدمات زیربنایی عظیمی را در شرایط دشوار جنگ و تحریم به انجام رساند و به الگویی موفق از مدیریت مردم‌پایه و جهادی بدل شد. تجارب دوران دفاع مقدس و پروژه‌های بزرگ ملی در دهه‌های بعد نیز سرشار از مصادیق به‌کارگیری این روحیه در غلبه بر چالش‌های فنی و اجرایی است.

در سالیان اخیر، ادبیات علمی متعددی حول محور مدیریت جهادی شکل گرفته است. پژوهشگرانی نظیر مشایخی و همکاران (۱۳۸۸) و محمودزاده و همکاران (۱۳۸۸)، به تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت جهادی و نقش آن در به‌فعلیت‌رساندن ظرفیت‌های ملی پرداخته‌اند. حجازی‌فر (۱۳۹۴) و تقوی دامغانی (۱۳۹۳) ابعاد معنوی و تکلیف‌گرایانه آن را مورد تأکید قرار داده و عزتی (۱۳۹۳) آن را در چارچوب حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی تحلیل کرده است. همچنین آثاری چون پژوهش مزینانی (۱۳۹۹)، به تمایز این سبک با سایر الگوهای مدیریتی اشاره نموده‌اند.

با وجود این تلاش‌های ارزشمند، غالب این پژوهش‌ها دارای دو ویژگی مشترک هستند: اولاً، تمرکز آن‌ها عمدتاً بر سطح مدیریت و ویژگی‌های مدیر جهادی به عنوان یک فرد یا یک سبک رهبری درون‌سازمانی است. ثانیاً، این آثار بیشتر به توصیف ابعاد و مؤلفه‌های این پدیده پرداخته‌اند.

مقاله حاضر با درک این خلاء، تلاش دارد گامی به پیش نهد. تمایز اصلی این پژوهش، همان‌طور که در بخش نوآوری ذکر شد، در گذار مفهومی از مدیریت جهادی به حکمرانی جهادی است. این اثر، پدیده مورد بحث را نه به عنوان یک سبک مدیریتی قابل تقلیل به افراد، بلکه به مثابه یک الگوواره حکمرانی جامع برای راهبری جامعه تعریف می‌کند. این الگوواره، شبکه‌ای از تعاملات میان دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی را برای راهبری مشترک جامعه بر اساس منطق جهادی صورت‌بندی می‌کند. در حالی که آثار پیشین بر چگونه یک مدیر جهادی باشیم تمرکز داشتند، این پژوهش می‌پرسد یک نظام حکمرانی جهادی چگونه سیاست‌گذاری می‌کند؟

بنابراین، این مقاله با ارائه یک چارچوب تحلیلی یکپارچه که مبانی، اصول سیاست‌گذاری و عرصه‌های پیاده‌سازی را به هم متصل می‌کند، به دنبال ارتقای این مفهوم از سطح توصیفی به سطح یک الگوی نظری منسجم برای اداره امور عمومی است.

۱. مبانی مفهومی حکمرانی جهادی

برای درک عمیق الگوی حکمرانی جهادی، ابتدا باید یک تمایز مفهومی کلیدی را روشن ساخت: گذار از الگوواره مدیریت به الگوواره حکمرانی. این تحول در نگرش، صرفاً یک تغییر واژگانی نیست، بلکه بازتاب‌دهنده دگرگونی بنیادین در فهم ماهیت اداره جامعه و نقش دولت در جهان معاصر است. پس از تبیین این گذار، می‌توان به چیستی، اهداف و اصول بنیادین الگوی حکمرانی جهادی به مثابه یک چارچوب مفهومی منسجم پرداخت.

۱-۱. از مدیریت تا حکمرانی: تحول در نگرش به اداره جامعه

در ادبیات کلاسیک اداره عمومی، واژه مدیریت (Management) بر فرآیندهای درون‌سازمانی و تلاش برای نیل به اهداف مشخص از طریق به‌کارگیری بهینه منابع متمرکز بود. مدیریت در این معنا، دانش و هنر به کارگیری منابع سازمانی برای دستیابی به اهداف سازمان به شیوه مطلوب (مرتضوی و عراقی، ۱۳۸۸) تعریف می‌شد و مدیر کسی بود که گروهی را برای رسیدن به هدفی مشترک، اداره و هماهنگ می‌ساخت (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ص ۲۵). این نگاه، دولت را به مثابه کنشگری اصلی و سلسله‌مراتبی می‌دید که به تنهایی مسئولیت ارائه خدمات و حل مسائل عمومی را بر عهده دارد.

با این حال، در دهه‌های اخیر، پیچیدگی فزاینده مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ظهور کنشگران متعدد غیردولتی، این نگرش دولت‌محور را به چالش کشید. در پاسخ به این تحولات، مفهوم





حکمرانی (Governance) پا به عرصه وجود نهاد. حکمرانی، برخلاف مدیریت، به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، جوامع و سازمان‌ها تصمیمات کلیدی خود را اتخاذ کرده، قدرت را اعمال نموده و مسئولیت‌ها را به انجام می‌رسانند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۵). حکمرانی، دیگر دولت را تنها بازیگر میدان نمی‌داند، بلکه بر شبکه‌ای از تعاملات میان دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی برای راهبری مشترک جامعه تأکید دارد. این تغییر نگرش نسبت به کارکرد حکومت (صالحی امیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲)، اداره جامعه را از یک فعالیت صرفاً فنی و درون‌دولتی به یک فرآیند سیاسی-اجتماعی مشارکتی و شبکه‌ای مبدل ساخت.

این تحول پارادایمیک، برای فهم حکمرانی جهادی اهمیتی حیاتی دارد. حکمرانی جهادی را نمی‌توان صرفاً به مثابه یک سبک مدیریتی برای مدیران دولتی فهمید؛ بلکه باید آن را یک منطق حکمرانی برای کل جامعه در نظر گرفت که به دنبال بسیج و هم‌افزایی تمام ظرفیت‌های ملی-اعم از دولتی و مردمی-برای راهبری کشور به سوی اهداف متعالی است.

۱-۲. تعریف، اهداف و اصول بنیادین حکمرانی جهادی

حکمرانی جهادی، یک الگوواره راهبردی برای اداره جامعه است که بر مبانی معرفتی اسلامی و گفتمان انقلاب استوار بوده و با محوریت بخشیدن به مفهوم جهاد در معنای عام آن، به دنبال بسیج مستمر و خستگی‌ناپذیر تمامی ظرفیت‌های مادی و معنوی جامعه برای غلبه بر چالش‌ها و تحقق اهداف تمدنی است. این الگو سبکی برخاسته از تفکر بومی و متناسب با مقتضیات فرهنگی و اجتماعی ایران (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۸) به شمار می‌رود که از حیث مبانی، خاستگاه و مفهوم اثربخشی، از سایر الگوهای مدیریتی و حکمرانی، حتی الگوهای بومی دیگر، متمایز می‌گردد (مزینانی، ۱۳۹۹: ص ۱۲۵). در این چارچوب، حکمرانی به تلاشی بی‌وقفه در به‌کارگیری مؤثر تمام نیروها و منابع اطلاق می‌شود که با نیت الهی در تمام عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... جهت نیل به اهداف والای جامعه صورت می‌پذیرد (عزتی، ۱۳۹۳).

اهداف این الگو را می‌توان در دو سطح تحلیل کرد:

- ۱) غایت نهایی (هدف متعالی): غایت‌الغایات در این الگو، تقرب الی الله است (حجازی‌فر، ۱۳۹۴: ص ۹۶). این بدان معناست که تمام فعالیت‌های حکمرانی، از سیاست‌گذاری‌های کلان تا اقدامات اجرایی، صبغه‌ای عبادی به خود گرفته و در راستای کسب رضایت الهی و تحقق جامعه‌ای موحد تعریف می‌شوند. این نگاه، مشروعیت و انگیزش را از منبعی فرامادی تأمین می‌کند.
- ۲) اهداف راهبردی (اجتماعی-سیاسی): در سطح عملیاتی، این الگو اهدافی چون استحکام ساخت درونی قدرت (نادعلی، ۱۳۹۵: ص ۱۰)، تحقق عدالت اجتماعی، به فعلیت رساندن ظرفیت‌های

نهفته ملی (محمودزاده و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۸۹)، رفع موانع پیشرفت و در نهایت، زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی (عزتی، ۱۳۹۳) را دنبال می‌کند. این الگوی حکمرانی بر مجموعه‌ای از اصول درهم‌تنیده استوار است که برگرفته از نصوص دینی و بیانات رهبران انقلاب اسلامی است:

✓ اصل توحیدمحوری و غایت‌گرایی معنوی: این اصل، شالوده معرفتی حکمرانی جهادی است. هر اقدامی باید با نیت الهی و ایمان و اخلاص (نک: المائده: ۵۴) آغاز شود و با توکل به خداوند (نک: آل عمران: ۱۵۹) به پیش رود. این اصل، مسئولیت‌پذیری را از یک الزام قانونی صرف به یک تکلیف الهی ارتقا می‌دهد (تقوی دامغانی، ۱۳۹۳: ص ۳۷-۴۰) و به کنش‌ها صبغه‌ای مقدس می‌بخشد (پیغامی، ۱۳۹۰: ص ۲).

✓ اصل عقلانیت انقلابی و بصیرت راهبردی: برخلاف تصورات سطحی، حکمرانی جهادی به هیچ وجه به معنای نفی عقلانیت، علم و تخصص نیست. مقام معظم رهبری تأکید دارند که این حرکت باید با تکیه بر علم و درایت و تدبیر (خامنه‌ای، ۱۳۹۲) و بر اساس اصول علمی (دانش و تجربه) باشد. این عقلانیت با بصیرت و دشمن‌شناسی تکمیل می‌شود تا تصمیمات، دقیق، به‌هنگام و در راستای اهداف کلان نظام اتخاذ گردند.

✓ اصل مردم‌بنیانی و بسیج ظرفیت‌های اجتماعی: این اصل، وجه تمایز کلیدی حکمرانی جهادی از مدیریت بوروکراتیک است. این الگو بر حضور مردمی (عزم ملی) و اعتقاد به کار گروهی (کریم‌زاده، ۱۳۹۳: ش ۱۰۷) تأکید دارد و به دنبال فراهم آوردن بسترهای مشارکت همگانی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجراست (محمودزاده و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۸۹). در این نگاه، مردم نه به عنوان مشتریان خدمات دولت، بلکه به مثابه شرکای راهبردی در امر حکمرانی تلقی می‌شوند.

✓ اصل تکلیف‌گرایی و مجاهدت خستگی‌ناپذیر: روح حاکم بر این الگو، مجاهدت و تلاش دائمی (نک: زیارت امین‌الله) و پرهیز از سستی و رخوت است. این همان حرکت پرقدرت، با برنامه و مجاهدانه است که با شوق به کار همراه بوده و در آن، ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل، مسئولیت‌پذیری و ایثار، به شاخص‌های اصلی کارگزاران نظام تبدیل می‌شود.

۲. اصول حاکم بر سیاست‌گذاری عمومی در الگوی جهادی

سیاست‌گذاری عمومی (Public Policy)، که به طور کلی به مجموعه اقداماتی هدفدار که به وسیله بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران برای برخورد با مشکل یا مسئله مورد توجه، در نظر گرفته می‌شود (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ص ۷) اطلاق می‌گردد، در الگوی حکمرانی جهادی دارای منطق و اصول متمایزی است. این تفاوت تنها در اهداف سیاست‌ها نیست، بلکه در فرآیند تدوین، اجرا و ارزیابی



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۵۳

الگوی حکمرانی

جهادی: تأثیر بر

فرآیندهای

سیاست‌گذاری

عمومی و استقرار

مقاومت همه‌جانبه



آن‌ها نیز آشکار است. حکمرانی جهادی، سیاست‌گذاری را از یک فرآیند صرفاً فنی و بوروکراتیک به یک کنش انقلابی، اجتماعی و پویا تبدیل می‌کند. دو اصل بنیادین که این فرآیند را شکل می‌دهند، عبارتند از: مردم‌محوری و انعطاف‌پذیری و سرعت عمل.

۱-۲. مردم‌محوری و بسیج ظرفیت‌های اجتماعی

اصل مردم‌محوری یا مردم‌بنیانی، سنگ بنای سیاست‌گذاری در الگوی جهادی است. این اصل، در تقابل کامل با رویکردهای تکنوکراتیک و دولت‌محور قرار دارد که در آن، مردم صرفاً به عنوان دریافت‌کنندگان منفعل خدمات دولتی در نظر گرفته می‌شوند. در منطق جهادی، مردم نه تنها هدف سیاست‌گذاری، بلکه فاعل و محرک اصلی آن هستند. سیاست‌گذاری جهادی بر این باور استوار است که ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت.

این اصل از طریق بسیج ظرفیت‌های اجتماعی عینیت می‌یابد. حکمرانی جهادی به دنبال شناخت و به فعلیت رساندن ظرفیت‌های نهفته (محمودزاده و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۸۹) در آحاد جامعه است. این رویکرد، به جای تکیه انحصاری بر ساختارهای اداری، به دنبال ایجاد و تقویت نهادهای مردمی و انقلابی است تا فرآیند حل مسائل به یک نهضت عمومی تبدیل شود. این همان فناوری اجتماعی هوشمندانه‌ای است که می‌تواند بر بروکراسی بسیار فشل، سخت، و غیرانقلابی غلبه کند (قالیباف، ۱۴۰۱).

مصادیق بارز این اصل عبارتند از:

(۱) مشارکت در تعریف مسئله و اجرا: در این الگو، سیاست‌گذاران موظف به حضور میدانی و مسئله‌یابی از طریق مشاهده مستقیم هستند. این امر سبب می‌شود که سیاست‌ها بر اساس نیازهای واقعی مردم و نه انتزاعات اداری شکل گیرند. علاوه بر این، مردم و گروه‌های جهادی در فرآیند اجرا نیز به صورت داوطلبانه مشارکت می‌کنند که این خود اعتماد و عزت ملت به نظام سیاسی را افزایش می‌دهد (کیانی زاده، ۱۳۹۵: ص ۷۲-۷۳).

(۲) توانمندسازی به جای وابسته‌سازی: هدف سیاست‌گذاری جهادی، توانمندسازی اقشار مختلف، به ویژه محرومان، برای حل مسائلشان است. این رویکرد به دنبال آن است که خود محرومان در فرآیند سازندگی مشارکت فعال داشته باشند تا کرامت و عزت نفس آنها حفظ شود. این اصل، سیاست‌گذاری را از یک اقدام ترحم‌آمیز به یک فرآیند تربیتی و رشد‌محور تبدیل می‌کند.

(۳) ایجاد انسجام و سرمایه اجتماعی: با مشارکت دادن عموم مردم از طبقات و تخصص‌های گوناگون در یک هدف مشترک، سیاست‌گذاری جهادی به ابزاری برای تقویت انسجام اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شود. اردوهای جهادی، فعالیت‌های بسیج سازندگی و نهادهایی چون جهاد سازندگی در سال‌های اولیه انقلاب، نمونه‌های موفقی از این سیاست‌گذاری مردم‌محور هستند که توانستند انرژی عظیم اجتماعی را در مسیر سازندگی کشور هدایت کنند.

۲-۲. انعطاف‌پذیری، سرعت و قاطعیت در تصمیم‌گیری و اجرا

اگر مردم‌محوری، روح سیاست‌گذاری جهادی است، سه‌گانه انعطاف‌پذیری، سرعت و قاطعیت، کالبد عملیاتی آن را تشکیل می‌دهد. این ویژگی به خصوص در شرایط بحرانی، تحریم و مقابله با چالش‌های غیرمنتظره، اهمیت حیاتی پیدا می‌کند.

• انعطاف‌پذیری: مدیریت و سیاست‌گذاری جهادی ذاتاً ضد بوروکراسی و مخالف قید و بندهای دست‌وپاگیر اداری است. انعطاف‌پذیری به معنای توانایی انطباق سریع ساختار و فرآیندها با مقتضیات محیطی است (بوداکی و شادی، ۱۳۹۳). این اصل به سیاست‌گذاران و مجریان اجازه می‌دهد تا از چارچوب‌های خشک و زمان‌بر اداری عبور کرده و راه‌حل‌های خلاقانه و نوآورانه برای مسائل بیابند. این همان رفع و جبران خلاقانه چالش‌ها و کمبودها با منابع و تشریفات حداقلی است.

• سرعت عمل: سرعت، محصول طبیعی انعطاف‌پذیری و روحیه تکلیف‌گرایی است. در الگوی جهادی، تأخیر در خدمت‌رسانی و حل مشکلات مردم، امری مذموم تلقی می‌شود. از این رو، فرآیندهای سیاست‌گذاری و اجرا به گونه‌ای طراحی می‌شوند که با گام‌هایی بلند و پرشتاب (عزتی، ۱۳۹۳) و با حداقل اتلاف وقت، به نتیجه مطلوب برسند. این سرعت عمل، به ویژه در پاسخ به بحران‌های طبیعی یا خنثی‌سازی توطئه‌های دشمن، یک مزیت راهبردی محسوب می‌شود.

• قاطعیت: قاطعیت در الگوی جهادی، به معنای تهور و تصمیم‌گیری بدون پشتوانه عقلانی نیست. این قاطعیت، پس از مشورت و تصمیم‌گیری مشارکتی، و با اتکا به عقلانیت انقلابی و بصیرت، ظهور می‌یابد. هنگامی که یک تصمیم بر مبنای اصول و با در نظر گرفتن جمیع جهات اتخاذ شد، باید با شجاعت و بدون تزلزل و انفعال به مرحله اجرا درآید. این قاطعیت در تصمیم‌گیری مانع از آن می‌شود که سیاست‌ها در میانه راه به دلیل تردیدها یا فشارهای خارجی و داخلی، نیمه‌کاره رها شوند.

در مجموع، این سه ویژگی به سیاست‌گذاری جهادی، خاصیتی پویا و تحول‌آفرین می‌بخشد و آن را قادر می‌سازد تا در شرایط پیچیده و پر از عدم قطعیت، کارآمدی خود را حفظ کرده و اهداف نظام را به پیش ببرد.

۲-۳. عدالت‌محوری و مبارزه با فساد

اصل عدالت‌محوری، قلب تپنده و غایت‌الغایات سیاست‌گذاری در الگوی جهادی است. این اصل، صرفاً یک شعار یا هدف تزئینی نیست، بلکه به عنوان یک شاخص بنیادین و معیار سنجش صحت تمام اقدامات و سیاست‌ها عمل می‌کند. در این دیدگاه، سیاست‌گذاری که به کاهش نابرابری، رفع تبعیض و حمایت از اقشار مستضعف منجر نشود، از مسیر جهادی و انقلابی منحرف شده است.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۵۵

الگوی حکمرانی
جهادی: تأثیر بر
فرآیندهای
سیاست‌گذاری
عمومی و استقرار
مقاومت همه‌جانبه



عدالتخواهی و مبارزه واقعی با فقر و فساد و تبعیض از شاخصه‌های اصلی مقاومت انقلابی و به تبع آن، مدیریت جهادی است (رضایی، ۱۳۹۴).

این اصل در دو حوزه نمود عملی می‌یابد:

۱. جهت‌گیری سیاست‌ها به نفع محرومان: سیاست‌گذاری جهادی، یک رویکرد جانبدارانه به نفع طبقات ضعیف جامعه دارد. هدف اصلی، توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع و کم کردن فاصله با طبقات ضعیف است. این رویکرد در تقابل مستقیم با الگوهایی است که صرفاً بر رشد اقتصادی کلان بدون توجه به نحوه توزیع آن تمرکز دارند یا سیاست‌هایی که بی‌توجه به عدالت اجتماعی و فاقد دغدغه مردمی هستند (ترک زاده، ۱۳۹۶: ص ۲۵).

۲. مبارزه بی‌امان با فساد: عدالت و فساد دو مفهوم متضاد هستند؛ در هر جا که فساد ریشه بدواند، عدالت رخت برمی‌بندد. از این رو، سیاست‌گذاری جهادی، مبارزه با فساد را نه یک اقدام حاشیه‌ای، بلکه یک ضرورت راهبردی برای تحقق عدالت می‌داند. این مبارزه ابعاد مختلفی دارد:

✚ شفاف‌سازی: ایجاد سازوکارهایی که تصمیمات و تخصیص منابع را برای عموم مردم شفاف می‌سازد.

✚ ساده‌زیستی و پاکدستی مسئولان: این اصل فراتر از یک توصیه اخلاقی، یک سیاست راهبردی است. هنگامی که مسئولان از تجمل و اشرافی‌گری پرهیز می‌کنند و ساده‌زیستی پیشه می‌سازند، هم الگوی عملی برای جامعه می‌شوند و هم زمینه بروز فساد اقتصادی را از بین می‌برند.

✚ نظارت مردمی: با فعال‌سازی ظرفیت‌های اجتماعی، مردم خود به بهترین ناظران برای پیشگیری و کشف فساد تبدیل می‌شوند.

بنابراین، در الگوی حکمرانی جهادی، هر سیاست عمومی باید از این فیلتر عبور کند: آیا این تصمیم به تحقق عدالت و کاهش فساد کمک می‌کند یا خیر؟ این پرسش، قطب‌نمای حرکت سیاست‌گذار جهادی است.

۲-۴. تخصص‌گرایی متعهدانه و ضابطه‌محور

یکی از برداشت‌های نادرست و رایج از مدیریت جهادی، تقابل آن با علم، تخصص و نظم است. در حالی که الگوی حکمرانی جهادی بر یک تلفیق هوشمندانه میان تعهد انقلابی و تخصص علمی تأکید دارد. مقام معظم رهبری به صراحت این الگو را مبتنی بر تکیه بر علم، تدبیر و درایت تعریف می‌کنند (نک: خامنه‌ای، ۱۳۹۲) و بر لزوم داشتن تعهد و تخصص در مسئولین اصرار می‌ورزند (نک: همو، ۱۳۸۹/۶/۲).

✚ تخصص‌گرایی متعهدانه: این اصل به معنای آن است که تخصص به تنهایی برای تصدی امور کافی نیست. تخصص بدون تعهد به آرمان‌های انقلاب، ارزش‌های اسلامی و منافع ملی می‌تواند به



ابزاری در خدمت اهداف غیرمردمی یا حتی بیگانه تبدیل شود. از سوی دیگر، تعهد بدون تخصص نیز منجر به عدم کارآمدی و اتلاف منابع می‌شود که خود امری خلاف شرع و مصالح جامعه است. مشروعیت مدیران در نظام اسلامی بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنابراین، سیاست‌گذاری جهادی به دنبال به‌کارگیری مدیران و کارشناسانی است که هم به لحاظ علمی و فنی توانمند هستند (حرکت علمی) و هم به لحاظ ارزشی، مؤمن و متعهد (تقوای دینی و سیاسی) باشند. این همان مفهوم شایسته‌سالاری در چارچوب انقلابی است.

➤ **ضابطه محوری:** این اصل، مکمل تخصص‌گرایی و ضامن تحقق عدالت است. ضابطه محوری به معنای پایبندی به ضوابط به جای روابط است (ترک زاده، ۱۳۹۶: ۲۵). در سیاست‌گذاری جهادی، تصمیمات و اقدامات بر اساس قوانین، مقررات و معیارهای مشخص و عادلانه اتخاذ می‌شود، نه بر اساس روابط شخصی، گروهی یا فشارهای سیاسی. این رویکرد، از خودمحوری، خاص‌گرایی و رانت‌جویی که از ویژگی‌های مدیریت غیرجهادی است، جلوگیری می‌کند.

تأکید اکید بر قانون‌گرایی در این الگو به حدی است که حتی اگر قانونی ناقص باشد، تا زمانی که از مسیر قانونی اصلاح نشده، عمل به آن یک ضرورت است. این اصل، ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و نظم را در نظام اداری حاکم کرده و از اقدامات سلیقه‌ای و هرج‌ومرج جلوگیری می‌کند.

در نتیجه، سیاست‌گذاری جهادی نه یک حرکت بی‌برنامه و صرفاً احساسی، بلکه فرآیندی است که با اتکا به متخصصان متعهد و در چارچوب قوانین و ضوابط، به دنبال تحقق عدالت برای عموم مردم است.

۳. پیاده‌سازی الگوی حکمرانی جهادی: مطالعه تأثیرات در عرصه‌ها

پس از تبیین مبانی مفهومی و اصول حاکم بر سیاست‌گذاری در الگوی حکمرانی جهادی، اینک نوبت به بررسی نحوه پیاده‌سازی و مطالعه تأثیرات عملیاتی این الگو در عرصه‌های سه‌گانه حیات اجتماعی می‌رسد. حکمرانی جهادی صرفاً یک نظریه انتزاعی نیست، بلکه یک رویکرد عملیاتی است که در صورت تحقق، پیامدهای ملموسی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاست خارجی به دنبال خواهد داشت. این مبحث نشان خواهد داد که چگونه اصول پیش‌گفته—مردم‌محوری، انعطاف‌پذیری، عدالت‌محوری و تخصص‌گرایی متعهدانه—در این عرصه‌ها تجلی می‌یابند.

۳-۱. عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی: تحقق اقتصاد مقاومتی و جهش تولید

در عرصه اقتصاد، الگوی حکمرانی جهادی خود را در قالب اقتصاد مقاومتی متجلی می‌سازد. اقتصاد مقاومتی، که سیاست‌های کلی آن در سال ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید، یک دکترین اقتصادی کامل برای مقابله با فشارهای خارجی و فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی است. این الگو،



ترجمان عملیاتی مدیریت جهادی در حوزه اقتصاد است که با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا طراحی شده است.

پایه‌سازی این الگو بر محورهای زیر استوار است:

(۱) **اقتصاد مردم‌پایه و فعال‌سازی ظرفیت‌های درونی:** قلب اقتصاد مقاومتی، اجرای اصل مردم‌محوری است. این رویکرد به جای تکیه بر اقتصاد دولتی، به دنبال مردمی کردن اقتصاد و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه است. این امر از طریق حمایت از کارآفرینان، تقویت بخش خصوصی واقعی، توسعه تعاونی‌ها و سپردن طرح‌های بزرگ به مردم محقق می‌شود. این سیاست، با فعال‌سازی سرمایه‌های خرد و کلان مردمی، کشور را در برابر تکانه‌های خارجی مصون می‌سازد و بهترین الگوی حکمرانی اقتصادی را رقم می‌زند (شاگری، ۱۴۰۲).

(۲) **اقتصاد دانش‌بنیان و جهش تولید:** حکمرانی جهادی با تکیه بر اصل تخصص‌گرایی متعهدانه، پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان را به عنوان یک راهبرد کلیدی دنبال می‌کند. این رویکرد با پیوند میان دانشگاه و صنعت، حمایت از شرکت‌های نوآور و فناور، و توانمندسازی نیروی انسانی متخصص و نخبه، به دنبال افزایش بهره‌وری و خلق ارزش افزوده بالا است. هدف نهایی، تبدیل تهدید تحریم به فرصتی طلایی جهت شکوفایی اقتصادی و تحقق جهش تولید از طریق نوآوری و اتکا به توان علمی داخلی است.

(۳) **مدیریت مصرف و عدالت در توزیع:** همگام با افزایش تولید، حکمرانی جهادی بر اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی تأکید دارد. این سیاست، ضمن کاهش وابستگی به واردات، به تقویت تولید ملی کمک می‌کند. علاوه بر این، اصل عدالت‌محوری ایجاب می‌کند که سیاست‌ها به سمت سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف (محمودزاده، ۱۳۹۳) و کاهش فاصله طبقاتی جهت‌گیری شوند.

۲-۳. عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی: تقویت هویت ملی-اسلامی و مقابله با تهاجم نرم

در حوزه فرهنگ، که به تعبیر مقام معظم رهبری روح کالبد جامعه است (بیانات در سال ۱۳۸۳)، حکمرانی جهادی نقشی دوگانه ایفا می‌کند: از یک سو، به مثابه یک دژ مستحکم در برابر تهاجم نرم و جنگ شناختی دشمن عمل کرده و از سوی دیگر، به عنوان یک محرک درونی، به تعمیق و ترویج هویت ملی-اسلامی می‌پردازد.

سیاست فرهنگی جهادی، یک سیاست منفعل و عکس‌العملی نیست. این رویکرد بر ضرورت عمل کردن کنشی و ابتکاری و یک قدم جلوتر بودن از دشمن تأکید دارد. این به معنای تولید محتوای جذاب، هنرمندانه و عمیق برای واکسینه کردن جامعه، به ویژه نسل جوان، در برابر شبهات و القاءات دشمن

است. هدف این سیاست، مدیریت ادراک جامعه و خنثی‌سازی تلاش دشمن برای ایجاد گسست عاطفی-ادراکی بین توده‌ها و نخبگان با حاکمیت است (عابدینی، ۱۳۹۸).

محور اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی جهادی، جهاد تبیین است. این جهاد با بسیج ظرفیت‌های مردمی—شامل هنرمندان، نویسندگان، فعالان رسانه‌ای و گروه‌های جهادی—به دنبال ترویج ارزش‌های بنیادین انقلاب مانند ایثار و شهادت، ساده‌زیستی، عدالت‌خواهی و خودباوری است. در این چارچوب، توجه به وظایف فرهنگی و انقلابی گروه‌های جهادی در کنار اقدامات عمرانی، وزن ویژه‌ای می‌یابد تا این گروه‌ها به کانون‌های تربیت و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی تبدیل شوند.

حکمرانی جهادی با پرهیز از تصدی‌گری دولتی در فرهنگ، به دنبال توانمندسازی جبهه فرهنگی انقلاب و حمایت از فعالیت‌های خودجوش مردمی است. این رویکرد، با شکستن انحصارهای فرهنگی و ایجاد فضایی برای بروز خلاقیت‌های انقلابی، به غنای فرهنگی جامعه و تقویت سرمایه اجتماعی نظام کمک شایانی می‌کند.

۳-۳. عرصه سیاست‌گذاری خارجی: دیپلماسی فعال و مقاومت عزتمندانه

سیاست خارجی برآمده از حکمرانی جهادی، بر سه اصل راهبردی عزت، حکمت و مصلحت استوار است و از یک دوگانه‌ی دروغین میان سازش و انزوا پرهیز می‌کند. این رویکرد، ترکیبی هوشمندانه از مقاومت فعال در برابر نظام سلطه و دیپلماسی پویا برای تأمین منافع ملی است.

اصل مقاومت عزتمندانه در برابر سلطه که ریشه در شعار بنیادین نه شرقی، نه غربی دارد، به معنای نفی هرگونه سلطه‌پذیری و حفظ استقلال کامل سیاسی است. منطق جهادی معتقد است هزینه سازش بسیار بیشتر از هزینه مقاومت است. این مقاومت، صرفاً یک پایداری منفی نیست، بلکه یک راهبرد برای تغییر موازنه قوا، ایجاد بازدارندگی و الهام‌بخشی به ملت‌های آزاده است. البته مقاومت، به معنای انزوای طلبی نیست. حکمرانی جهادی به دنبال تعامل گسترده و فعال با جهان، به ویژه با کشورهای همسایه و ملت‌های مستقل است. این دیپلماسی فعال به دنبال یافتن زمینه‌های مشترک همکاری و ایجاد همگرایی ضدسلطه است تا یک جبهه جهانی در برابر یکجانبه‌گرایی شکل گیرد (عباسی و همکاران، ۱۴۰۳).

یکی از شاه‌بیت‌های سیاست خارجی جهادی، ایجاد هم‌افزایی میان قدرت میدانی و توان دیپلماتیک است. در این الگو، قدرت دفاعی و نفوذ منطقه‌ای، به عنوان پشتوانه مستحکم دستگاه دیپلماسی عمل کرده و دیپلماسی نیز دستاوردهای میدان را در عرصه بین‌المللی تثبیت می‌کند. این راهبرد منجر به تقویت محور دفاعی-دیپلماتیک و افزایش قدرت چانه‌زنی کشور در مذاکرات می‌شود. نتیجه این رویکرد، تضعیف هژمونی دشمن، تقویت شبکه مقاومت و تأمین منافع ملی با حفظ عزت و کرامت انسانی است.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۵۹

الگوی حکمرانی
جهادی: تأثیر بر
فرآیندهای
سیاست‌گذاری
عمومی و استقرار
مقاومت همه‌جانبه

۴. کارآمدی، تاب‌آوری ملی و مقاومت انقلابی

پیاده‌سازی موفق الگوی حکمرانی جهادی در عرصه‌های سه‌گانه، به نتایج و برآوردهای راهبردی منجر می‌شود که فراتر از شاخص‌های معمول توسعه است. این الگو، به دنبال تحقق سه دستاورد کلان است: افزایش کارآمدی نظام در پاسخگویی به نیازها، ارتقای تاب‌آوری ملی در برابر فشارها و تهدیدها، و تعمیق و ترویج مقاومت انقلابی به عنوان یک فرهنگ عمومی و راهبرد پایدار. این سه دستاورد، محصول نهایی و غایت اصلی حکمرانی جهادی هستند.

کارآمدی در این الگو به معنای حل مسائل کشور با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر است. تاب‌آوری ملی، ثمره مستقیم اقتصاد مقاومتی، انسجام فرهنگی و دیپلماسی فعال است که کشور را در برابر تکانه‌های خارجی مصون می‌دارد. اما مقاومت انقلابی مفهومی جامع‌تر است که دو دستاورد دیگر را نیز در بر می‌گیرد و به مثابه محصول نهایی این الگو عمل می‌کند.

۴-۱. شاخص‌های مقاومت انقلابی به مثابه محصول نهایی حکمرانی جهادی

مقاومت انقلابی صرفاً یک تاکتیک سیاسی یا نظامی نیست، بلکه یک منش و بینش است که در تمام شئون حکمرانی و زندگی اجتماعی جاری می‌شود. این مفهوم، که بارها توسط مقام معظم رهبری تبیین شده، مجموعه‌ای از شاخص‌های رفتاری و ارزشی است که استمرار و پویایی انقلاب را تضمین می‌کند. اگر حکمرانی جهادی به درستی اجرا شود، خروجی آن، جامعه و نظامی خواهد بود که این شاخص‌ها را در خود متبلور ساخته است. مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از:

- (۱) پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب: ثبات قدم در اصول بنیادین اسلام، استقلال، آزادی و عدالت‌خواهی، و پرهیز از عمل‌گرایی افراطی که منجر به انحراف از آرمان‌ها شود.
- (۲) هدف‌گیری آرمان‌ها و همت بلند: داشتن همت بلند برای رسیدن به اوج و ناامید نشدن در برابر فشارها و سیاه‌نمایی‌ها. این شاخص، روحیه ما می‌توانیم را در کالبد جامعه می‌دمد.
- (۳) پایبندی به استقلال همه‌جانبه: حفظ استقلال سیاسی (عدم تبعیت از دشمن)، استقلال فرهنگی (ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی) و استقلال اقتصادی (هضم نشدن در اقتصاد جهانی).
- (۴) حساسیت در برابر دشمن و عدم تبعیت: شناخت نقشه‌های دشمن و پرهیز از تبعیت از آن، که قرآن کریم از آن با عنوان جهاد کبیر یاد می‌کند (نک: الفرقان: ۵۲).
- (۵) تقوای دینی و سیاسی: پایبندی به تکالیف شرعی در عرصه حکمرانی (تقوای دینی) و پرهیز از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن سوءاستفاده کند (تقوای سیاسی) (ر.ک: بیانات رهبری، ۱۴/۰۳/۹۵).



فصلنامه اندیشه مقاومت
در کفتمان انقلاب اسلامی



شماره ۶۱

تابستان

۱۴۰۱

این شاخص‌ها در کنار مؤلفه‌هایی چون مبارزه واقعی با فقر و فساد و تبعیض، ساده‌زیستی مسئولان، مردم‌داری و شجاعت در اقدام، منظومه مقاومت انقلابی را تشکیل می‌دهند که محصول نهایی و معیار سنجش موفقیت الگوی حکمرانی جهادی است.

۴-۲. موانع و چالش‌های پیش‌روی نهادهای سازي الكو

علی‌رغم ضرورت و کارآمدی اثبات‌شده الگوی حکمرانی جهادی در مقاطع حساس، نهادهای سازي الكو کامل آن در ساختار اداری و سیاسی کشور با موانع و چالش‌های جدی روبروست. شناسایی و تلاش برای رفع این موانع، شرط لازم برای تحقق کامل دستاوردهای این الگو است.

۱. مقاومت دیوان‌سالاری محافظه‌کار: یکی از اصلی‌ترین موانع، وجود یک فرهنگ سازمانی رخوت‌زده و محافظه‌کار در بدنه بوروکراسی کشور است. این ساختار، که به روش‌های سنتی و روزمره عادت کرده، در برابر تحول، انعطاف‌پذیری و روحیه جهادی مقاومت می‌کند. غلبه بر این مانع نیازمند یک نهضت اصلاح نظام اداری با رویکرد جهادی است.

۲. نفوذ تفکر غرب‌گرا و مدیریت وارداتی: همچنان در برخی سطوح مدیریتی و نخبگانی، نگاه به مدل‌های مدیریتی رایج غربی و بی‌اعتقادی به ظرفیت‌های الگوی بومی-اسلامی وجود دارد. این تفکر که با خودکم‌بینی و وادادگی همراه است، مانع جدی بر سر راه اعتماد به نفس ملی و به کارگیری مدیریت جهادی است.

۳. آفت اشرافی‌گری و دنیاطلبی در میان مسئولان: فاصله گرفتن برخی مدیران از اصل ساده‌زیستی و گرایش به اشرافی‌گری، روحیه جهادی را که مبتنی بر ایثار و خدمت خالصانه است، تضعیف می‌کند. این آفت، زمینه‌ساز فساد و بی‌اعتمادی مردم شده و بزرگترین ضربه را به کارآمدی نظام وارد می‌سازد.

۴. چالش‌های قانونی و ساختاری: علی‌رغم وجود ظرفیت‌های بسیار در گروه‌های جهادی مردمی، نبود قوانین حمایتی یکپارچه، عدم هماهنگی بین دستگاهی و گاه نگاه امنیتی به تشکل‌های مردمی، مانع از شکوفایی کامل ظرفیت این گروه‌ها می‌شود. این چالش، نیازمند بازنگری در قوانین و ایجاد یک نظام حکمرانی پشتیبان برای فعالیت‌های جهادی است.

۵. عملکرد ضعیف برخی مدعیان مدیریت جهادی: یکی از موانع فرهنگی، عملکرد بسیار بد بعضی از مدیران منتسب به نیروهای ارزشی است که با سوءاستفاده از عناوین انقلابی و جهادی، به اعتماد عمومی لطمه زده و زمینه را برای تخریب کلیت این تفکر توسط مخالفان فراهم می‌کنند. این امر، ضرورت پالایش درونی جریان انقلابی و تأکید بر تعهد و تخصص توأمان را دوچندان می‌کند.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۶۱

الگوی حکمرانی
جهادی: تأثیر بر
فرآیندهای
سیاست‌گذاری
عمومی و استقرار
مقاومت همه‌جانبه



غلبه بر این چالش‌ها مستلزم یک عزم ملی، اصلاحات ساختاری، کادرسازی و ترویج گفتمانی است تا الگوی حکمرانی جهادی از یک رویکرد مقطعی و محدود به بحران‌ها، به یک رویه نهادینه و فرهنگ غالب در تمام سطوح مدیریت کشور تبدیل شود.

۵. چشم‌انداز استقرار کامل حکمرانی جهادی و الزامات آن

استقرار کامل الگوی حکمرانی جهادی، به معنای یک گذار راهبردی از یک نظام اداری عمدتاً روزمره و گاهی منفعل، به یک نظام تراز انقلاب اسلامی است که در آن، پویایی، نوآوری، عدالت و معنویت به صورت یکپارچه در تاروپود حکمرانی تنیده شده است. چشم‌انداز نهایی، تحقق جامعه‌ای است که در آن:

- ☑ کارآمدی در هم‌افزایی با معنویت قرار گیرد: اثربخشی و بهره‌وری نه صرفاً به عنوان معیارهای فنی، بلکه به مثابه ابزاری برای تحقق اهداف الهی و خدمت به خلق در نظر گرفته می‌شود. در این چشم‌انداز، مدیران، خدمت را عبادت تلقی کرده و با انگیزه‌ای مضاعف برای حل مسائل تلاش می‌کنند.
- ☑ عدالت فراگیر و ملموس: فاصله طبقاتی به حداقل رسیده، فرصت‌های رشد برای همگان فراهم است و مبارزه با فساد از یک شعار به یک رویه سیستمی و غیرقابل خدشه تبدیل شده است. مردم طعم شیرین عدالت را در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند.
- ☑ اقتدار درون‌زا و عزت بین‌المللی: کشور با تکیه بر توان داخلی و دانش بومی، به یک قدرت اقتصادی، علمی و فرهنگی تبدیل شده و در عرصه بین‌الملل، از موضع اقتدار و حکمت، مبتکر روابطی سازنده و مبتنی بر منافع ملی و اصول انقلابی است.
- ☑ مشارکت حداکثری و مردم‌سالاری حقیقی: دولت و مردم در یک رابطه ارگانیک و دوسویه قرار دارند. مردم نه فقط به عنوان رأی‌دهندگان، بلکه به مثابه شرکای راهبردی در شناسایی مسائل، ارائه راه‌حل، اجرا و نظارت بر امور کشور نقش‌آفرینی می‌کنند.

دستیابی به این چشم‌انداز متعالی، یک شبه و با اقدامات سطحی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند تحقق مجموعه‌ای از الزامات بنیادین در سطوح مختلف است.

۵-۱. الزامات تحقق چشم‌انداز

برای حرکت از وضعیت موجود به سمت استقرار کامل این الگو، باید الزامات زیر به صورت هماهنگ و پیوسته فراهم گردد:

۵-۱-۱. الزامات راهبردی و در سطح کلان

(۱) عزم و اراده قاطع در سران قوا: اولین و مهم‌ترین الزام، وجود یک اراده راسخ و یکپارچه در میان رهبران ارشد نظام برای پیاده‌سازی این الگوست. این عزم باید از طریق حمایت عملی از مدیران جهادی، مطالبه‌گری مستمر برای تحول و الگو بودن خود مسئولان در ساده‌زیستی، پرکاری و فسادستیزی، به تمام بدنه‌ی مدیریتی کشور تسری یابد.

۲) تدوین نقشه راه تحول جهادی نظام اداری: حرکت جهادی نیازمند برنامه و نقشه است. باید یک نقشه راه جامع با اهداف کمی و کیفی مشخص، شاخص‌های کلیدی عملکرد، زمان‌بندی دقیق و مسئولیت‌های شفاف برای هر دستگاه تدوین شود. این نقشه باید بر مسئله‌محوری و نتیجه‌گرایی به جای فرآیندگرایی صرف تأکید کند.

۳) ایجاد وحدت رویه و فرماندهی یکپارچه: یکی از آفات نظام اداری، ناهماهنگی و وجود جزایر عملکردی است. برای تحقق حکمرانی جهادی، لازم است یک قرارگاه مرکزی تحول ایجاد شود که ضمن حفظ استقلال دستگاه‌ها، هماهنگی راهبردی بین آنها را در جهت اهداف کلان ملی تضمین کرده و از اقدامات موازی یا متعارض جلوگیری نماید.

۵-۱.۲. الزامات ساختاری و نهادی

۱) بازمهندسی فرآیندها و حذف قوانین مانع: بوروکراسی سنگین و قوانین دست‌وپاگیر، قاتل روحیه جهادی هستند. باید یک نهضت فراگیر برای مقررات‌زدایی، ساده‌سازی فرآیندها و الکترونیکی کردن خدمات با هدف چابک‌سازی دولت و تسهیل امور مردم و تولیدکنندگان به راه افتد. این اقدام، مصداق بارز مبارزه با فساد ساختاری است.

۲) ایجاد زیست‌بوم نوآوری جهادی: حکمرانی جهادی باید پذیرای نوآوری باشد. لازم است بستری برای اتصال و هم‌افزایی میان دولت، دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، بخش خصوصی و گروه‌های مردمی و جهادی ایجاد شود تا راه‌حل‌های خلاقانه برای مسائل کشور شناسایی و به کار گرفته شوند. این زیست‌بوم، تخصص‌گرایی متعهدانه را در عمل محقق می‌سازد.

۳) تقویت نهادهای نظارتی و مردمی‌سازی نظارت: برای تضمین اصل عدالت‌محوری و مبارزه با فساد، باید ضمن تقویت استقلال و کارآمدی نهادهای نظارتی رسمی (مانند سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات)، نظارت مردمی به رسمیت شناخته شده و سامانه‌های شفافیت به گونه‌ای طراحی شوند که هر شهروند بتواند به عنوان یک دیده‌بان، بر عملکرد مسئولان نظارت کند.

۵-۱.۳. الزامات فرهنگی و سرمایه انسانی

۱) تربیت و استقرار نسل جدید مدیران جهادی: تحقق این الگو بیش از هرچیز به انسان‌های معتقد به آن وابسته است. نظام جمهوری اسلامی باید یک نظام جامع شناسایی، تربیت و جانشین‌پروری برای مدیران تراز انقلاب طراحی و اجرا کند. این نظام باید جوانان مستعد، متخصص و متعهد را از سطوح مختلف شناسایی کرده و با آموزش‌های تخصصی و عقیدتی،



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۶۳

الگوی حکمرانی
جهادی: تأثیر بر
فرآیندهای
سیاست‌گذاری
عمومی و استقرار
مقاومت همه‌جانبه

آنها را برای پذیرش مسئولیت‌های کلان در آینده آماده سازد. این مهم‌ترین سرمایه‌گذاری برای آینده کشور است.

(۲) ترویج گفتمان جهادی در رسانه‌ها و نظام آموزشی: استقرار کامل این الگو نیازمند تبدیل آن به یک باور عمومی و مطالبه ملی است. رسانه ملی و سایر رسانه‌های متعهد باید از طریق تولیدات هنری، مستند و خبری، مصادیق موفق مدیریت جهادی را به تصویر کشیده و فرهنگ کار و تلاش خستگی‌ناپذیر را ترویج دهند. همچنین، مفاهیم مدیریت جهادی، اقتصاد مقاومتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی باید در متون درسی مدارس و دانشگاه‌ها گنجانده شود تا نسل آینده با این فرهنگ رشد کند.

در نهایت، استقرار کامل حکمرانی جهادی یک پروژه کوتاه-مدت نیست، بلکه یک فرایند تحول تمدنی است که موفقیت آن در گرو عزم ملی، برنامه‌ریزی دقیق، اصلاحات ساختاری شجاعانه و مهم‌تر از همه، تربیت انسان‌هایی است که کار برای خدا و خدمت به مردم را بزرگترین افتخار خود می‌دانند.



فصلنامه اندیشه مقاومت
در گفتمان انقلاب اسلامی



شماره ۶۱

تابستان

۱۴۰۱

نتیجه‌گیری

تحلیل مبانی، اصول و کارکردهای الگوی حکمرانی جهادی نشان داد که این الگوواره، پاسخی راهبردی، بومی و کارآمد به بحران ناکارآمدی نظام‌های اداری کلاسیک در مواجهه با مسائل پیچیده معاصر است. برخلاف بوروکراسی سنتی که بر صلبیت، تمرکزگرایی و انفکاک از مردم استوار است، حکمرانی جهادی با گذار از مفهوم مدیریت به حکمرانی، یک الگوی شبکه‌ای، منعطف و مردم‌پایه را معرفی می‌کند که هدف آن بسیج تمامی ظرفیت‌های مادی و معنوی جامعه برای نیل به اهداف متعالی است.

نتایج نشان داد که این الگو بر شالوده‌ای معرفتی متشکل از توحیدمحوری و غایت‌گرایی معنوی بنا شده و در عرصه عمل، از طریق اصولی چون: عقلانیت انقلابی، مردم‌بنیانی، تکلیف‌گرایی، انعطاف‌پذیری، عدالت‌محوری و تخصص‌گرایی متعهدانه به سیاست‌گذاری جهت می‌دهد. پیاده‌سازی این اصول در عرصه‌های کلیدی، پیامدهای ملموسی به همراه دارد: در حوزه اقتصاد، به شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی دانش‌بنیان و درون‌زا می‌انجامد؛ در حوزه فرهنگ، به جهاد تبیین و مصون‌سازی فعالان در برابر تهاجم نرم منجر می‌شود؛ و در سیاست خارجی، دکترین مقاومت عزتمندانه را با دیپلماسی فعال و همگرایی ضدسلطه عملیاتی می‌سازد. غایت‌نهایی و محصول کلان این فرآیند، نه تنها افزایش کارآمدی دستگاه‌های اجرایی، بلکه تعمیق تاب‌آوری ملی و استقرار یک مقاومت همه‌جانبه و هوشمند است که کشور را قادر می‌سازد تا ضمن حفظ استقلال و پیشبرد عدالت، مسیر خود را به سوی ایجاد تمدن نوین اسلامی با صلابت طی نماید.

پیشنهادهای

بر اساس یافته‌های پژوهش و در راستای عملیاتی‌سازی و تعمیق الگوی حکمرانی جهادی، پیشنهادهای زیر در دو سطح پژوهشی و اجرایی ارائه می‌گردد:

الف) پیشنهادهای پژوهشی

- (۱) طراحی و اعتبارسنجی شاخص‌های کمی و کیفی ارزیابی عملکرد منطبق با ارزش‌های حکمرانی جهادی.
- (۲) انجام پژوهش‌های میدانی و مطالعات موردی تطبیقی میان پروژه‌ها و سازمان‌های موفق و ناموفقی که مدعی به‌کارگیری رویکرد جهادی.
- (۳) بررسی رابطه حکمرانی جهادی و سرمایه اجتماعی با استفاده از روش‌های پیمایشی به سنجش رابطه علی میان پیاده‌سازی سیاست‌های مبتنی بر حکمرانی جهادی و سطح سرمایه اجتماعی.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۶۵

الگوی حکمرانی
جهادی: تأثیر بر
فرآیندهای
سیاست‌گذاری
عمومی و استقرار
مقاومت همه‌جانبه

(۴) پژوهش در باب طراحی یک مدل عملیاتی برای شایسته‌سالاری مبتنی بر دو بال تعهد و تخصص که سازوکارهای دقیق شناسایی، ارزیابی، انتصاب و ارتقای مدیران بر اساس این دو معیار را مشخص نماید.

ب) پیشنهادهای اجرایی

(۱) گنجاندن سرفصل‌های درسی مرتبط با مبانی، اصول و مهارت‌های حکمرانی جهادی در دوره‌های آموزشی بدو و ضمن خدمت مدیران دولتی در تمامی سطوح، از طریق نهادهایی مانند مرکز آموزش مدیریت دولتی.

(۲) بازنگری در قوانین و مقررات اداری و مالی کشور با هدف افزایش انعطاف‌پذیری، تفویض اختیار به مدیران میانی و اجرایی و کاهش فرآیندهای زائد بوروکراتیک جهت تسهیل تصمیم‌گیری سریع و قاطعانه.

(۳) حرکت از مشارکت نمادین به سمت مشارکت واقعی مردم از طریق ایجاد سازوکارهای نهادینه‌شده برای حضور شهروندان، نخبگان و تشکل‌های مردمی در تمام مراحل چرخه سیاست‌گذاری (از تعریف مسئله تا نظارت و ارزیابی).

(۴) پیاده‌سازی کامل و مؤثر قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و الزام تمامی دستگاه‌ها به شفاف‌سازی داده‌های مربوط به بودجه، قراردادها، تخصیص منابع و تصمیمات کلان به عنوان یک ابزار راهبردی برای تحقق عدالت‌محوری و مبارزه با فساد.

(۵) تدوین و اجرای آیین‌نامه‌های رفتاری برای مدیران و کارگزاران نظام با تأکید بر ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری، و تقویت نظارت‌های مردمی و نهادهای نظارتی بر این امر به عنوان پیش‌شرط مبارزه با فساد.



فصلنامه اندیشه مقاومت
در کفتمان انقلاب اسلامی



شماره ۶۱

تابستان

۱۴۰۱



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۶۷

الگوی حکمرانی

جهادی: تأثیر بر

فرآیندهای

سیاست‌گذاری

عمومی و استقرار

مقاومت همه‌جانبه

مصادیق عملیاتی و نمود عینی	هدف و کارکرد اصلی	تقابل با الگوی سنتی (بوروکراتیک)	تعریف و تبیین در الگو	مفهوم اصل کلیدی
تصمیم‌گیری‌های کلان ملی در شوراها و عالی با حضور نمایندگان بخش‌های مختلف جامعه به جای تصمیم‌گیری صرفاً درون‌دولتی.	فراهم‌سازی بستر مفهومی برای درک جامعیت الگوی جهادی و عبور از نگرش فردی (مدیر جهادی) به نگرش سیستمی.	مدیریت دولتی به عنوان تنها فاعل و ارائه‌دهنده خدمات. حکمرانی دولتی به عنوان راهبر و تنظیم‌گر در شبکه‌ای از بازیگران.	تغییر نگرش از اداره‌ی صرفاً دولتی (مدیریت) به راهبری شبکه‌ای و مشارکتی کل جامعه با حضور دولت، بخش خصوصی و مردم (حکمرانی).	گذار به حکمرانی
تأسیس نهادهایی مانند جهاد سازندگی برای سازندگی در مناطق محروم یا تشکیل قرارگاه‌های عملیاتی برای مدیریت بحران.	ارتقای کارآمدی نظام، افزایش تاب‌آوری ملی و حل مسائل بغرنج کشور با تکیه بر منابع درونی.	الگوی سنتی: تمرکز بر رویه‌ها، کندی، بی‌تفاوتی ارزشی. الگوی جهادی: تمرکز بر نتایج، سرعت عمل، تکلیف‌گرایی و ارزش‌محوری.	یک الگواره راهبردی اداره جامعه مبتنی بر ایمان، عقلانیت انقلابی و تلاش بی‌وقفه (جهاد) برای بسیج تمام ظرفیت‌های مادی و معنوی جهت غلبه بر چالش‌ها.	حکمرانی جهادی (محور اصلی)
اردوهای جهادی، گروه‌های مردمی حل مسئله، استفاده از ظرفیت بسیج سازندگی در پروژه‌های عمرانی و خدماتی.	فعال‌سازی انرژی عظیم اجتماعی، افزایش اعتماد و مشروعیت نظام، و توانمندسازی جامعه برای حل مسائل خود.	الگوی سنتی: نگاه از بالا به پایین و تکنوکراتیک. الگوی جهادی: نگاه از پایین به بالا، حضور میدانی و مشارکت‌جویانه.	مردم نه به عنوان دریافت‌کننده منفعل خدمات، بلکه به عنوان شریک راهبردی و فاعل اصلی در شناسایی مسئله، اجرا و نظارت.	مردم‌پنایی و بسیج ظرفیت‌ها
حذف بروکراسی‌های زائد برای کمک‌رسانی در شرایط اضطراری، تصمیم‌گیری سریع در میدان عمل توسط مدیران میدانی.	افزایش توانایی نظام در پاسخ به بحران‌های ناگهانی (سیل، زلزله، تحریم) و تسریع در روند خدمت‌رسانی به مردم.	الگوی سنتی: صلبیت ساختاری، فرآیندهای زمان‌بر، تردید در اجرا. الگوی جهادی: چابکی، ساختارهای موقت و ضربتی، قاطعیت انقلابی.	توانایی عبور از قید و بندهای دست‌وپاگیر اداری (ضد بوروکراسی)، واکنش سریع به تحولات، و اجرای شجاعانه و بدون نژلزل تصمیمات اتخاذ شده.	انعطاف‌پذیری، سرعت و قاطعیت
سیاست‌گذاری جهت‌دار به نفع مناطق محروم، شفاف‌سازی قراردادهای و انتصابات، ترویج ساده‌زیستی مسئولان.	کاهش شکاف طبقاتی، افزایش سلامت اداری، حفظ سرمایه اجتماعی و تحقق آرمان‌های بنیادین انقلاب اسلامی.	الگوی سنتی: اولویت دادن به رشد اقتصادی صرف (که ممکن است به نابرابری دامن بزند). الگوی جهادی: اولویت دادن به توزیع عادلانه فرصت‌ها و حمایت از محرومان.	قرار دادن عدالت به عنوان معیار اصلی سنجش صحت تمام سیاست‌ها و مبارزه بی‌امان با هرگونه تبعیض و فساد از طریق شفافیت و نظارت.	عدالت‌محوری و فسادستیزی
انتصاب مدیرانی که هم دارای سوابق اجرایی و علمی موفق هستند و هم به مبانی انقلاب و خدمت به مردم التزام عملی دارند.	جلوگیری از ناکارآمدی ناشی از بی‌تخصصی و ممانعت از انحراف ناشی از عدم تعهد؛ تضمین حرکت صحیح در مسیر اهداف نظام.	الگوی سنتی: تأکید صرف بر تخصص یا روابط (ضابطه‌گریزی). الگوی جهادی: ترکیب تخصص و تعهد (شایسته‌سالاری انقلابی).	تأکید همزمان بر دو بال تخصص علمی و کارآمدی و تعهد انقلابی و ارزشی. تخصص بدون تعهد ابزاری بی‌هدف و تعهد بدون تخصص ناکارآمد است.	تخصص‌گرایی متعهدانه
در اقتصاد: تحقق اقتصاد مقاومتی. در فرهنگ: جهاد تبیین. در سیاست خارجی: دیپلماسی مقاومت و عزت.	حفظ استقلال، پیشبرد اهداف ملی در شرایط تحریم و جنگ شناختی، و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها.	الگوی سنتی: انفعال یا وابستگی در برابر فشارهای خارجی. الگوی جهادی: کنشگری فعال، درون‌زایی و اتکا به خود.	محصول کلان و راهبردی اجرای الگوی حکمرانی جهادی که به معنای تاب‌آوری و توانمندی فعالانه کشور در برابر انواع فشارهای خارجی و تهدیدات است.	خروجی نهایی: مقاومت همه‌جانبه

جدول تحلیل محتوای الگوی حکمرانی جهادی

- (۱) ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۲) احمدی، اسماعیل. (۱۳۹۳). روحیه جهادی، ویژگی‌ها و شاخصه‌ها. تهران: بی نا.
- (۳) باقری، مسلم؛ جاجرمی‌زاده، محسن؛ و کیانی، مهرداد. (۱۳۹۳). طراحی و تبیین الگوی تصمیم‌گیری مدیران جهادی. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۷(۲۳)، ۵-۲۸.
- (۴) بوداقي، احد؛ و شادی، یونس. (۱۳۹۳). شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت جهادی با استفاده از تکنیک تاپسیس فازی. فصلنامه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، ۳۲، ۱۱۱-۱۳۱.
- (۵) پیغامی، عادل. (۱۳۹۶). مولفه‌های نرم در تلاقی فرهنگ و اقتصاد (دلالت‌هایی برای اقتصاد مقاومتی). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- (۶) ترک‌زاده، جعفر؛ و همکاران. (۱۳۹۶). تدوین الگوی مدیریت جهادی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۰(۷۵)، ۲۵-۲۶.
- (۷) ترک‌زاده، جعفر؛ و همکاران. (۱۳۹۶). طراحی الگوی مفهومی مدیریت جهادی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۵(۱)، ۹-۳۶.
- (۸) تقوی دامغانی، سیدرضا. (۱۳۹۳). نگرشی بر مدیریت اسلامی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- (۹) حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۰ق). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: المكتبة العصرية.
- (۱۰) حجازی‌فر، سعید. (۱۳۹۴). چیستی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۳(۳)، ۹۶-۹۷.
- (۱۱) حسین‌پور، داوود. (۱۳۹۵). رابطه مدیریت جهادی و استراتژی‌های اقتصاد مقاومتی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، صفحات ۸-۹.
- (۱۲) خلیلی، حسام‌الدین. (۱۳۹۱). مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی. مجله کارآگاه، دوره ۲، سال ۵، شماره ۲۰، ۲۹-۳۲.
- (۱۳) دانایی‌فرد، حسن؛ و امامی، سیدمجتبی. (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری عمومی (فرآیند و تحلیل). تهران: صفار.





۱۴) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۸). مفردات ألفاظ القرآن. تهران: نشر مرتضوی.

۱۵) رضاییان، علی. (۱۳۹۵). اصول مدیریت. تهران: سمت.

۱۶) روح‌الامینی، محمود. (۱۳۸۸). زمینه فرهنگ‌شناسی (تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی). تهران: نشر عطار.

۱۷) شاکری، امین. (۱۴۰۲). الگوی مدیریت جهادی و انقلابی تحول‌آفرین راه‌حل مشکلات اقتصادی است. اقتصاد آنلاین.

۱۸) شریعتمداری، مهدی. (۱۳۸۸). اصول و مبانی مدیریت (مدیریت عمومی). تهران: کوهسار.

۱۹) الشریف الرضی، محمد بن حسین بن موسی. (۱۳۹۳). نهج‌البلاغه. مشهد: آستان قدس رضوی، به‌نشر.

۲۰) صالحی‌امیری، سیدرضا؛ قربانی‌زاده، وجه‌الله؛ و بلوریان تهرانی، سمیه. (۱۳۹۴). حکومت‌داری خوب. فصلنامه چالش‌های جهان، ۱(۳)، ۷-۲۴.

۲۱) عابدینی، حسن. (۱۳۹۸). مصاحبه درباره جنگ شناختی. خبرگزاری صدا و سیما.

۲۲) عابدینی، مهدی. (۱۳۹۸). جنگ شناختی، تهدیدی نوپدید علیه امنیت ملی. تهران: اندیشکده راهبردی تبیین.

۲۳) عباسی، علی‌اکبر؛ شیخ‌حسنی، محمود؛ رستمی، محسن؛ و میارعباسی، ابوذر. (۱۴۰۳). الگوسازی تجارب حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی. فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، ۲۲(۹۸)،

۲۴) فیضی، طاهره. (۱۳۸۳). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

۲۵) قالیباف، محمدباقر. (۱۴۰۱). فعالیت‌های جهادی یک تحول بزرگ برای حکمرانی نو و فناوری اجتماعی است. خبرگزاری خانه ملت.

۲۶) کریم‌زاده، طاهره. (۱۳۹۳). شاخصه‌های مدیریت جهادی از منظر مقام معظم رهبری. مجله معارف، ۱۰۷.

۲۷) کشاورزبان پیوستی، اکبر. (۱۳۸۸). اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد و نظام بانکی. مجله بانک و اقتصاد، ۱۰۰، ۴-۵.

۲۸) کونتز، هارولد؛ ویریش، هاینز. (۱۳۸۶). اصول مدیریت (ترجمه علی پارسائیان، ویرایش یازدهم). تهران: ترمه.

۲۹) کیانی‌زاده، میثم؛ و گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۴). طراحی الگوی سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر مدیریت جهادی. در اولین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران، تهران.



- ۳۰ کیانی‌زاده، میثم؛ و همکاران. (۱۳۹۵). شناسایی ویژگی‌های شخصیتی سیاست‌گذاران عمومی مبتنی بر مدیریت جهادی. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۹ (۷۲)، ۷۲-۷۳.
- ۳۱ لوتانز، فرد؛ لیتر، جوزف آ. (۱۹۶۹). سازمان‌ها: ساختار و رفتار. نیویورک: وایلی.
- ۳۲ مجدفر، مرتضی. (۱۳۷۱). اصول مدیریت و رهبری؛ شامل مباحث نظری و اجرایی در مدیریت آموزشی. تهران: سرنا.
- ۳۳ محمودزاده، علی؛ فروزش، اکبر؛ و مرتضوی، مهدی. (۱۳۸۸). نقش مدیران جهادی در ترویج و توسعه فرهنگ و مدیریت جهادی. در مجموعه مقالات دومین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی (صص ۸۹-۹۰). تهران.
- ۳۴ محمودزاده، علی؛ فروزش، اکبر؛ و مرتضوی، مهدی. (۱۳۸۸). واکاوی و بازشناسی فرهنگ و مدیریت جهادی. تهران: دفتر نمایندگی ولی‌فقیه.
- ۳۵ محمودزاده، علیرضا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی. در همایش ملی اقتصاد دانش‌بنیان، معبر اقتصاد مقاومتی.
- ۳۶ مرتضوی، مهدی؛ و همکاران. (۱۳۹۱). فرهنگ سازمانی جهادی، عامل کلیدی مدیریت جهادی. مجله مهندسی فرهنگی طه، ۷ (۷۱-۷۲)، ۱۰۵-۱۰۶.
- ۳۷ مرکز مطالعات و هدایت گروه‌های جهادی سازمان بسیج مستضعفین. (۱۳۹۸). ارزیابی جریان‌های جهادی در کشور. تهران: پژوهشکده آرا.
- ۳۸ مزینانی، مهدی. (۱۳۹۹). حکمرانی جهادی (درآمدی بر تحلیل سیره سردار سلیمانی از منظر آموزه‌های حکمرانی). فصلنامه حکمرانی متعالی، ۱ (۱)، ۱۰۹-۱۲۸.
- ۳۹ مشایخی، کریم؛ تاج‌آبادی، رضا؛ و مرادی‌نژاد، امیر. (۱۳۸۸). نقش فرهنگ جهادی در پیشگیری از بروز فساد اداری. تهران: دفتر نشر وزارت جهاد کشاورزی.
- ۴۰ میر، سیدجواد. (۱۳۸۶). ویژگی‌های فرهنگ و مدیریت جهادی و آفات آن. در اولین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- ۴۱ میرلداری، سیده‌سهیلا؛ و محمدی‌نثلی، یاسر. (۱۳۹۴). جایگاه اقتصاد مقاومتی در دوران پساتحریم. در اولین همایش ملی اقتصاد صنعتی ایران (ص ۱۲).
- ۴۲ نادعلی، فتح‌الله. (۱۳۹۵). تکیه بر شانه‌های مدیریت جهادی (قسمت چهارم). فکه، ۱۵۶، ۱۰-۱۱.
- ۴۳ نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). جواهرالکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۴۴ الوانی، سیدمهدی؛ و شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۹۲). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

(۴۵) وحید، مجید. (۱۳۸۳). سیاست‌گذاری عمومی. تهران: نشر میزان.

(۴۶) هاولت، مایکل؛ رامش، ام؛ پرل، آنتونی. (۱۳۸۰). مطالعه خط‌مشی عمومی (ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن). تهران: کتاب مهربان.

(۴۷) هزاوئی، سیدمرتضی؛ و زیرکی‌حیدری، علی. (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی: نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱. (۳۷)



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



الگوی حکمرانی

جهادی: تأثیر بر

فرآیندهای

سیاست‌گذاری

عمومی و استقرار

مقاومت همه‌جانبه